

پیش بینی و تبیین اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان ۲ تا ۷ سال بر اساس سبک های دلبستگی (ایمن، نا ایمن دوسوگرا و نا ایمن اجتنابی) والدین

Predicting and Explaining Separation Anxiety and Hyperactivity in Children Aged 2 to 7 Based on Parental Attachment Styles (Secure, Insecure-Ambivalent, and Insecure-Avoidant)

Maryam Sadat Cheraghi i (Corresponding author)

M.A. in Clinical Psychology, Islamic Azad University,
Garmsar Branch, Garmsar, Iran

iiiaryam@gmail.com

Dr. Mojtaba SedaghatiFard

Assistant Prof. Islamic Azad University, Garmsar
Branch, Garmsar, Iran

مریم سادات چراغی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی،
گرمسار، ایران.

iiiaryam@gmail.com

دکتر مجتبی صدیقی فرد

Abstract

Purpose: The meaningful explanation of separation anxiety and hyperactivity of children aged 2 to 7 years based on the attachment styles of parents has been investigated in this article. **Method :** The statistical population of this research, a sample of 280 people, was selected from among children aged 2 to 7 years old in kindergartens in District 1 of Tehran using available sampling method and Cochran's formula. With the help of Collins and Reed's (1990) attachment style questionnaires, the parents' version of Han et al.'s separation anxiety scale (2003) and Connors' attention deficit hyperactivity disorder rating scale (1998); Data was collected and with the help of SPSS software, Pearson's correlation coefficient and multiple regression analysis simultaneously, its validity and reliability have been confirmed. **Results :** The relationship between separation anxiety and attachment styles was as follows; Avoidant 0.438, ambivalent 0.542, secure -0.381. Also, the relationship between hyperactivity and attachment styles at the error level of 0.01 was as follows; Avoidant 0.229, ambivalent 0.383 and secure -0.377. **Conclusion :** In this research, it was found that the secure attachment style of parents has a significant effect in reducing both variables of separation anxiety and hyperactivity. And on the other hand, parents' avoidant and ambivalent styles are effective in increasing separation anxiety and child hyperactivity.

Keywords Separation anxiety, hyperactivity, attachment styles, children

استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی،
گرمسار، ایران.

چکیده

هدف: تبیین معناداری اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان 2 تا 7 سال بر اساس سبک های دلبستگی والدین در این مقاله بررسی شده است. **روش :** جامعه آماری این پژوهش، یک نمونه به حجم ۲۸۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس و با فرمول کوکران، از بین کودکان ۲ تا ۷ سال مهد کودک های منطقه ۱ شهر تهران انتخاب شدند. به کمک پرسشنامه های سبک دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی هان و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس درجه بندی اختلال نقص توجه بیش فعالی کانرز (۱۹۹۸)؛ اطلاعات جمع آوری شد و با کمک نرم افزار SPSS و ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان، تحلیل و روایی و پایایی آن تایید شده است. **یافته ها :** ارتباط بین اضطراب جدایی با سبک های دلبستگی به این شرح بود؛ اجتنابی ۰/۴۳۸ ، دوسوگرا ۰/۵۴۲ ، ایمن ۰/۳۸۱- . همچنین ارتباط بیش فعالی با سبک های دلبستگی در سطح خطای ۰/۰۱ به این شرح بود؛ اجتنابی ۰/۲۲۹ ، دوسوگرا ۰/۳۸۳ و ایمن ۰/۳۷۷- . **نتیجه گیری :** در این پژوهش مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن والدین در کاهش هر دو متغیر اضطراب جدایی و بیش فعالی تاثیر چشم گیری دارد. و از آن طرف سبک های اجتنابی و دوسوگرا والدین، در افزایش اضطراب جدایی و بیش فعالی کودک موثر است

کلمات کلیدی: اضطراب جدایی، بیش فعالی، سبک های دلبستگی، کودکان

تاریخ ارسال : 1403/08/05

تاریخ پذیرش : 1404/08/23

مقدمه

انسان در عصر حاضر درگیر مشکلات بسیاری است که برخی از آنها در مواجهه با پدیده های کنونی جهان ایجاد می شوند و مربوط به بزرگسالی هستند. اما؛ از آنجایی که کودکی، مهم ترین بخش زندگی هر انسان است، ریشه ی اصلی مشکلات وی را می توان در کودکی او جستجو کرد. بر کسی پوشیده نیست که افکار، نگرش ها و چگونگی رفتار والدین، تاثیرات به سزایی بر کودک دارند. این موضوع اهمیت بسیاری در شکل گیری رابطه ی درست میان والدین و فرزندان نیز دارد. شرایط خانواده بستر ساز شکل گیری هنجار و ناهنجار رشد کودک است. این شرایط را والدینی می سازند که هر یک تحت تاثیر شرایط رشدی و تربیتی خاصی بوده اند. اغلب والدین با تکیه بر تجربه های کودکی خود، الگویی برای تربیت فرزندانشان میسازند. از آن جایی که عموماً مادر به عنوان مراقب اولیه، برطرف کننده ی نیازهای کودک است، شخصیت او بر ویژگی های شخصیتی کودک نیز بسیار موثر است. به نظر می رسد این روزها از بین خطرات کوچک و بزرگی که سلامت روان کودک را تهدید می کنند، اضطراب جدایی کودک عاملی مهم و برجسته برای والدین و متخصصین امر می باشد. اینکه این اضطراب چگونه پاسخ داده می شود، به عوامل زیادی در بستر تربیتی والد بستگی دارد که یکی از آنها سبک دلبستگی اوست. همچنین عامل دیگری که برای کودک عصر جدید خطر ساز است، بیش فعالی اوست. والد باید بتواند با رفتار خود و همچنین با کمک متخصصین؛ در جهت کنترل، هدایت و درمان این موضوع گام بردارد و ناخودآگاه با نقاط تاریک و روشن شخصیت خود از جمله سبک دلبستگی، به این موضوع دامن نزنند.

اضطراب جدایی یک پاسخ رایج و مناسب رشد است که در کودکان ۲ تا ۷ ساله زمانی که از والدین یا مراقبان اصلی خود جدا می شوند، رخ می دهد (پیتو و مونتالبو، ۲۰۱۹). در طولانی مرحله از رشد، کودکان اغلب برای آسایش، ایمنی و امنیت به شدت به والدین یا مراقبان خود متکی هستند. هنگامی که از شکل دلبستگی اولیه خود جدا می شوند، ممکن است طیف وسیعی از واکنش های احساسی و رفتاری را از خود نشان دهند (محمدی و همکاران، 2020). اینها می تواند شامل گریه کردن، چسبیدن یا امتناع از رها شدن، ابراز ترس یا نگرانی، عصبانیت شدید، یا به شدت مضطرب شدن باشد. علائم فیزیکی مانند معده درد یا سردرد نیز ممکن است ظاهر شود (گیلتمن و کلاین، ۲۰۱۹). عوامل متعددی وجود دارد که می تواند به اضطراب جدایی در کودکان کمک کند. اول از همه، اعتقاد بر این است که این یک پاسخ طبیعی به درک فزاینده ماندگاری اشیا است - درک این موضوع که اشیاء و افراد حتی زمانی که دور از دید هستند هنوز وجود دارند (فریانت، توریکو و برنشتاین، ۲۰۲۳). علاوه بر این، کودکانی که تغییرات قابل توجهی را در زندگی خود تجربه کرده اند مانند شروع مدرسه، نقل مکان به خانه جدید یا اضافه شدن یک خواهر یا برادر جدید ممکن است بیشتر در معرض اضطراب جدایی باشند (واگان و همکاران، ۲۰۱۷). عوامل دیگر ممکن است شامل خلق و خوی کودک، سطح اضطراب خود و کیفیت دلبستگی آنها به مراقب اصلی خود باشد (آستوتی، هارتونو و سوناوان، ۲۰۲۰). از سوی دیگر اختلال بیش فعالی یکی از متداول ترین اختلال های دوران کودکی است که میزان مراجعه به مراکز درمانی از تمامی اختلال های دیگر بیشتر است (ایشی-تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۲۳). مارخام و اسپنسر (۲۰۲۲) اظهار کردند کودکان مبتلا به این اختلال اغلب با عنوان تحریک پذیر، مداخله جو، پر جنب و جوش، نامرتب، پرخاشگر، پرتنش و هیجانی مشخص می شوند و به احتمال بیشتری به مشکلات عاطفی اجتماعی و رفتاری دچار می شوند. همچنین، این کودکان با کمبود اعتماد به نفس اضطراب، افسردگی و مسایل مربوط به ارتباط با

همسالان مواجه هستند (لولا و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه این اختلال به دلایل گوناگونی مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است (بیتسکو و همکاران، ۲۰۲۲). نخست آنکه این اختلال که اولین یا دومین اختلال فراوان در دوران کودکی است برای بسیاری از کودکان مشکلات قابل توجهی ایجاد می کند و بر عملکرد، شناختی، اجتماعی هیجانی و خانوادگی آنان و سپس در بزرگسالی بر عملکرد شغلی و زناشویی آنها تأثیر می گذارد؛ دوم سبب شناسی و درمان این اختلال هنوز به طور کامل مشخص نشده و سوم به نظر می رسد شناخت بهتر اختلال بیش فعالی به شناخت بهتر بسیاری از اختلال های دیگر کمک می کند (قدم پور و همکاران، ۲۰۲۰).

علی رغم مطالعات متعددی در خصوص شناسایی اثر آموزش برنامه والدگری مثبت بر میزان اضطراب و تنظیم هیجانی کودکان با اختلال بیش فعالی (چالستری و عزیز، ۱۴۰۱)، پیش بینی علائم اضطراب جدایی بر اساس سلامت روان مادر، سبک های دلبستگی مادر، اختلال دلبستگی کودک و متغیرهای جمعیت شناختی (شایق و همکاران، ۱۴۰۰)، بررسی اثر بخشی بسته آموزش تلفیقی توجه آموزی و دلبستگی بر کیفیت دلبستگی مادر-کودک و علائم بیش فعالی (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸)، بررسی تفاوت های جنسی در اضطراب و افسردگی در کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه بیش فعالی (مارتین و همکاران، ۲۰۲۱)، بررسی رابطه سبک دلبستگی بزرگسالان و اضطراب و نقش میاجیگر تنظیم هیجانات (نیلسون و همکاران، ۲۰۱۷) و همچنین، بررسی دلبستگی نا ایمن و علائم روانشناختی در کودکان با اختلال علائم جسمانی (بیزی و همکاران، ۲۰۱۶)، مطالعات بسیار کمی بر روی پیش بینی و تبیین اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان ۲ تا ۷ سال بر اساس سبک های دلبستگی والدین صورت گرفته است. بنابراین، براساس آنچه گفته شد، با وجود مشکلات متعدد در زندگی والدین، مسأله اضطراب جدایی و سبک های دلبستگی این کودکان مسأله مهمی قلمداد می شود و نیازمند توجه ویژه است. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد روشن ساختن این مسأله است که آیا سبک های دلبستگی والدین قادر به پیش بینی اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان خواهد بود؟

روش

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران که در زیر نشان داده شده است، تعیین گردید که از میان این جامعه آماری با استفاده از این فرمول حجم نمونه ۲۴۸ نفر محاسبه شد که به دلیل احتمال ریزش ۲۸۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان (پسر و دختر) مهد کودک های منطقه یک شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود.

ابزار

داده ها به کمک سه پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی هان و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس درجه بندی اختلال نقص توجه بیش فعالی کانرز (۱۹۹۸) گردآوری شدند و پایایی و روایی آنها سنجیده شد و در نمونه ۲۸۰ نفره اجرا شد. کولینز و رید، پایایی این پرسشنامه را بالای ۰/۸۰ بدست آوردند. همچنین طلاییان و وازپور در سال ۱۳۸۲ با استفاده از روش آزمون مجدد نشان دادند که این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است (طلاییان و وازپور، ۱۳۸۲). مقیاس درجه بندی اختلال نقص توجه بیش فعالی کانرز توسط پژوهشگرانی از جمله هان (۲۰۰۶)، مفرد، عبدالله و ابوسماح (۲۰۰۹) در پژوهشهای متعددی

به کار گرفته شده است. در ایران در پژوهش مفرد، عبدالله و اوبا (۲۰۱۰) ضرایب آلفای کرونباخ نسخه کودک این ابزار برای نمره کل زیر مقیاس های ترس از تنها بودن ترس از رهاشدن ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک به ترتیب برابر با ۰/۹۴ ، ۰/۹۳ ، ۰/۹۰ ، ۰/۸۲ ، ۰/۸۳ به دست آمد ویژگی های روان سنجی فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی علاوه بر بررسی در فرهنگ های دیگر در ایران نیز آزمون و تأیید شد (طلایی نژاد، مظاهری، قنبری و عسگری، ۱۳۹۴).

یافته ها

در بخش توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق به بررسی و توصیف متغیرهای اضطراب جدایی، بیش فعالی و سبک های دلبستگی شامل سبک های اجتنابی، دو سوگرا و ایمن در میان کودکان دو تا هفت سال شهر تهران به لحاظ آمارهای گرایش به مرکز (میانگین)، گرایش به پراکندگی (انحراف معیار) و توزیع نمرات (چولگی و کشیدگی) پرداخته می شود.

جدول ۱: توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	زیر مقیاس	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اضطراب جدایی	ترس از تنها ماندن	۵	۱۸	۱۰/۰۶	۳/۵۸	۰/۳۰۶	-۰/۷۲۳
	ترس از رها شدن	۵	۲۰	۱۰/۹۷	۳/۲۶	۰/۴۵۹	۰/۰۲۴
	ترس از بیماری جسمانی	۵	۱۸	۱۰/۴۶	۳/۲۳	۰/۳۱۴	-۰/۳۵۸
	نگرانی در مورد وقوع حوادث خطرناک	۵	۱۸	۱۰/۵۶	۳/۲۳	۰/۲۴۶	-۰/۴۷۳
	فهرست نشانه های امنیت	۱۳	۲۶	۱۸/۳۰	۳/۲۱	۰/۲۳۰	-۰/۲۸۹
بیش فعالی	فراوانی حوادث خطرناک	۵	۲۰	۱۰/۴۶	۳/۳۹	۰/۵۸۴	-۰/۱۰۳
	نمره کل اضطراب جدایی	۴۰	۱۱۳	۷۰/۸۲	۱۵/۳۰	۰/۲۲۶	-۰/۲۷۵
	نمره کل بیش فعالی	۱۹	۵۶	۳۲/۴۸	۷/۸۳	۰/۳۳۵	۰/۰۳۷
	دلبستگی اجتنابی	۸	۲۹	۱۷/۶۸	۳/۶۹	-۰/۰۹۲	۱/۲۷۲
	دلبستگی دوسوگرا	۱۵	۳۱	۲۰/۰۲	۲/۹۵	۰/۸۶۹	۱/۷۹۴
سبک های دلبستگی	دلبستگی ایمن	۵	۳۰	۱۸/۴۲	۵/۲۷	۰/۱۴۷	۰/۴۲۱

جدول ۱ نتایج توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق را به تفکیک نشان می دهد. میانگین نمره کل اضطراب جدایی در میان کودکان 70/82 با انحراف معیار 15/30 محاسبه شده است مبنی بر اینکه میانگین اضطراب جدایی در میان کودکان در حد متوسطی قرار دارد. میانگین نمره بیش فعالی در میان کودکان نیز 32/48 با انحراف معیار 7/83 که میانگین محاسبه شده نشان می دهد که تقریباً نمره بیش فعالی کمتر از نقطه برش ۳۴ قرار دارد و در نهایت سبک های دلبستگی شامل سبک دلبستگی اجتنابی با میانگین 17/68، سبک دلبستگی دوسوگرا اضطرابی با میانگین

20/02 و سبک دلبستگی ایمن با میانگین 18/42 می باشد بدین ترتیب که بیشترین میزان میانگین سبک های دلبستگی در میان کودکان ابتدا دوسوگرا و پس از آن سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی می باشد

بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از پیش فرض های بررسی تحلیل رگرسیون خطی بحث بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق است که توسط آزمون کلموگروف- اسمیرنوف ۱ انجام می شود و نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۲: بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیرها	آماره K-S	معناداری
اضطراب جدایی	۰/۰۶۴	۰/۱۱۲
پیش فعالی	۰/۰۸۷	۰/۱۰۴
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۳۰	۰/۰۹۸
دلبستگی دوسوگرا	۰/۰۹۶	۰/۱۰۷
دلبستگی ایمن	۰/۱۲۷	۰/۰۶۷

جدول ۲ نشان می دهد که میزان معناداری محاسبه شده برای تمامی متغیرهای اصلی از تحقیق در سطح خطای 0/05 غیر معنادار است در نتیجه می توان بیان کرد که متغیرهای تحقیق به لحاظ آمار استنباطی دارای توزیع نرمال و به هنجاری می باشند در نتیجه پیش فرض نرمال بودن متغیرها تایید می شود.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

جدول ۳: بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱ اضطراب جدایی					
۲ پیش فعالی	***۰/۵۸۱				
۳ دلبستگی اجتنابی	***۰/۴۳۸	***۰/۲۲۹			

۴ دلبستگی دوسوگرا	***۰/۵۴۲	***۰/۳۸۳	***۰/۴۷۶	۱
۵ دلبستگی ایمن	***-۰/۳۸۱	***-۰/۳۷۷	***-۰/۲۹۹	***-۰/۱۴۵

*** در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۳ نتایج بررسی همبستگی بین متغیرهای ملاک و پیش بین را با آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۱ نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که متغیرهای اضطراب جدایی با ضریب ۰/۴۳۸ با دلبستگی اجتنابی، با ضریب ۰/۵۴۲ با دلبستگی دوسوگرا و با ضریب -۰/۳۸۱ با دلبستگی ایمن دارای همبستگی معنادار در سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد مبنی بر اینکه با افزایش میزان دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، اضطراب جدایی در میان کودکان افزایش می‌یابد همچنین با افزایش دلبستگی ایمن از میزان اضطراب جدایی در کودکان کاسته می‌شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیر پیش فعالی با ضریب ۰/۲۲۹ با دلبستگی اجتنابی، با ضریب ۰/۳۸۳ با دلبستگی دوسوگرا و با ضریب -۰/۳۷۷ با دلبستگی ایمن همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ دارد بدین ترتیب که با افزایش میزان دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا میزان بیش فعالی در میان کودکان ارتقا می‌یابد و با افزایش دلبستگی ایمن از میزان بیش فعالی در میان کودکان کم خواهد شد.

جدول ۴: بررسی اثر سبک‌های دلبستگی بر اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان

متغیر پیش بین	متغیر پیش بین	مجموع مجزورات	میانگین	F	t	سطح معناداری	مجزورات
دلبستگی اجتنابی	بیش فعالی	۱۹/۳۰۴	۱۹/۳۰۴	۰/۴۱۷	-۰/۶۴۶	۰/۵۱۹	۰/۰۰۲
اضطراب جدایی	اضطراب جدایی	۱۰۸۳/۵۲۹	۱۰۸۳/۵۲۹	۷/۶۶۴	۲/۷۶۸	۰/۰۰۶	۰/۰۲۷
دلبستگی دوسوگرا	بیش فعالی	۱۶۴۳/۰۶۷	۱۶۴۳/۰۶۷	۳۵/۴۸۹	۵/۹۵۷	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴
اضطراب جدایی	اضطراب جدایی	۹۳۳۷/۷۴۹	۹۳۳۷/۷۴۹	۶۶/۰۴۷	۸/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳
دلبستگی ایمن	بیش فعالی	۱۷۸۰/۴۴۷	۱۷۸۰/۴۴۷	۳۸/۴۵۷	-۶/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲
اضطراب جدایی	اضطراب جدایی	۴۴۴۲/۳۱۸	۴۴۴۲/۳۱۸	۳۱/۴۲۱	-۵/۶۰۵	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲
خطا	بیش فعالی	۱۲۷۷۸/۰۸۵	۴۶/۲۹۷				

¹ pearson

۱۴۱/۳۸۱	۳۹۰۲۱/۲۷۱	اضطراب جدایی
	۳۱۲۶۶۷	بیش فعالی
	۱۴۷۰۰۵۶	اضطراب جدایی

کل

جدول ۴ نتایج بررسی اثر سبک‌های دلبستگی را بر اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان با آزمون رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که متغیر پیش بین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن بر هر دو متغیر ملاک بیش فعالی و اضطراب جدایی دارای اثر معناداری بودند. در حالی که سبک دلبستگی اجتنابی تنها بر اضطراب جدایی تاثیر معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ داشته است و این متغیر بر بیش فعالی تاثیر معناداری ندارد.

جدول ۵: بررسی خلاصه مدل رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی بر اضطراب جدایی

مدل	ضریب رابطه چندمتغیری (R)	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳	۰/۳۹۷	۱۱/۸۹

جدول ۵ نتایج بررسی خلاصه مدل رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی را بر اضطراب جدایی در میان کودکان نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که میزان ضریب همبستگی چند متغیری ۰/۶۳۵ با ضریب تعیین ۰/۴۰۳ محاسبه شده است مبنی بر اینکه متغیرهای پیش‌بین در مدل به میزان حدوداً ۴۰ درصد توانایی تبیین متغیر اضطراب جدایی را داشتند.

جدول ۶: بررسی ضرایب رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی بر اضطراب جدایی

متغیرهای مورد بررسی	ضریب بی	خطای استاندارد	ضریب بتای استاندارد	آماره آزمون	P-val ue
دلبستگی اجتنابی	۰/۶۲۹	۰/۲۲۷	۰/۱۵۲	۲/۷۶۸	۰/۰۰۶
دلبستگی دوسوگرا	۲/۲۲۵	۰/۲۷۴	۰/۴۳۰	۸/۱۲۷	۰/۰۰۰
دلبستگی ایمن	-۰/۷۹۳	۰/۱۴۱	-۰/۲۷۳	-۵/۶۰۵	۰/۰۰۰

جدول ۶ نتایج بررسی ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد اثر سبک‌های دلبستگی را بر اضطراب جدایی در میان کودکان نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که هر سه سبک دلبستگی اجتنابی با ضریب استاندارد بتا ۰/۱۵۲، دوسوگرا با ضریب استاندارد بتا ۰/۴۳۰ و ایمن با ضریب استاندارد بتا -۰/۲۷۳ دارای اثر معناداری بر اضطراب

جدایی در میان کودکان در سطح خطای 0/05 می‌باشند مبنی بر اینکه با افزایش سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا میزان اضطراب جدایی در میان کودکان افزایش می‌یابد همچنین با افزایش سبک دلبستگی ایمن از میزان اضطراب جدایی در کودکان کم خواهد شد. فرضیه فرعی اول تایید می‌شود.

جدول ۷: بررسی خلاصه مدل رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی بر بیش‌فعالی

مدل	ضریب رابطه چندمتغیری (R)	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۵۰۳	۰/۲۵۳	۰/۲۴۵	۶/۸۰

جدول ۷ نتایج بررسی خلاصه مدل رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی را بر بیش‌فعالی در میان کودکان نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی چند متغیری 0/503 با ضریب تعیین 0/253 محاسبه شده است بدین ترتیب که حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر بیش‌فعالی توسط سبک‌های دلبستگی در مدل رگرسیونی تعیین شده است.

جدول ۸: بررسی ضرایب رگرسیونی اثر سبک‌های دلبستگی بر بیش‌فعالی

متغیرهای مورد بررسی	ضریب بی	خطای استاندارد	ضریب بتای استاندارد	آماره آزمون	P-val ue
دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۸۴	۰/۱۳۰	-۰/۰۴۰	-۰/۶۴۶	۰/۵۱۹
دلبستگی دوسوگرا	۰/۹۳۴	۰/۱۵۷	۰/۳۵۲	۵/۹۵۷	۰/۰۰۰
دلبستگی ایمن	-۰/۵۰۲	۰/۰۸۱	-۰/۳۳۸	-۶/۲۰۱	۰/۰۰۰

جدول ۸ نتایج بررسی ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد اثر سبک‌های دلبستگی را بر بیش‌فعالی در میان کودکان نشان می‌دهد. نتایج مبین آن است که در این مدل تنها سبک‌های دلبستگی دوسوگرا با ضریب استاندارد بتا 0/352 و ایمن با ضریب استاندارد بتا -0/338 اثر معناداری در سطح خطای 0/05 بر بیش‌فعالی کودکان داشتند. مبنی بر اینکه با افزایش سبک دلبستگی دوسوگرا میزان بیش‌فعالی در کودکان ارتقا می‌یابد. در حالی که با افزایش سبک دلبستگی ایمن از بیش‌فعالی در میان کودکان کاسته می‌شود. در حالی که دلبستگی اجتنابی با معناداری 0/519 اثر معناداری بر بیش‌فعالی کودکان نداشته است. فرضیه در خصوص اثر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اصلی پیش‌بینی اضطراب جدایی و بیش‌فعالی کودکان 2 تا 7 سال بر اساس سبک‌های دلبستگی والدین انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه

آماری این پژوهش شامل کودکان (پسر و دختر) مهد کودک های منطقه یک شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن احتمال ریزش ۲۸۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. پس از بررسی مبانی نظری به روش کتابخانه‌ای، پژوهشگر به تهیه ابزارهای پژوهش و کسب مجوز، پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی هان و همکاران (۲۰۰۳) و مقیاس درجه بندی اختلال نقص توجه بیش فعالی کانرز (۱۹۹۸) به صورت فردی و توسط محقق صورت مدادی-کاغذی جهت تکمیل به مادران کودکانی که حاضر به همکاری بودند، داده شد.

در فرضیه فرعی اول مطرح شد که اضطراب جدایی کودکان ۲ تا ۷ سال بر اساس سبک های دلبستگی والدین پیش بینی می شود. نتایج حاکی از آن بود که هر سه سبک دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن دارای اثر معناداری بر اضطراب جدایی در میان کودکان می باشند مبنی بر اینکه با افزایش سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا میزان اضطراب جدایی در میان کودکان افزایش می یابد همچنین با افزایش سبک دلبستگی ایمن از میزان اضطراب جدایی در کودکان کم خواهد شد. فرضیه فرعی اول تایید می شود. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات چالستری و عزیزی (۱۴۰۱)، شایق و همکاران (۱۴۰۰)، جانکو و همکاران (۲۰۲۱)، نیلسون و همکاران (۲۰۱۷) و بیزی و همکاران (۲۰۱۶) همسو بوده است. در تبیین یافته‌ی فوق، می توان گفت که یکی از بارزترین خصوصیات روابط نزدیک، احساس امنیت و دلبستگی است که از این طریق فرد را از تجربه تنهایی و پریشانی باز می دارد. در واقع اصول دلبستگی بین کودکان و مادرانشان اساساً مبتنی بر اصول دلبستگی در میان بزرگسالان است. از سوی دیگر از دیدگاه رفتاری، اعتقاد بر این است که اختلال اضطراب جدایی از طریق مکانیسم های شرطی سازی کلاسیک و عامل ایجاد می شود. برای مثال، شرطی سازی کلاسیک می تواند زمانی رخ دهد که کودک پس از تجربه یک موقعیت آسیب‌زا، تجربه جدایی را با ترس و پریشانی مرتبط می کند، که منجر به پاسخ های خودکار ترس می شود که در طول زمان ادامه می یابد. از سوی دیگر، شرطی سازی عامل، شامل ارتباط حالت های عاطفی با رفتارها است. کودکانی که در صورت جدا شدن از شخصیت های دلبستگی خود، رفتارهای بیش از حد چسبنده و سختگیرانه انجام می دهند، ممکن است متوجه شوند که این رفتارها توسط مراقبانشان تقویت می شود و آنها را به ادامه انجام این رفتارها در آینده سوق می دهد (سیلو و مانیکواواساگار، ۲۰۱۵). بنابراین می توان استدلال کرد که سبک دلبستگی اجتنابی به مادری اطلاق می شود که تمایل دارد از نظر عاطفی دور باشد و به نیازهای فرزندش پاسخی ندهد. این نوع دلبستگی می تواند منجر به احساس ناامنی و عدم اطمینان کودکان در مورد در دسترس بودن و پاسخگویی مادرشان شود که می تواند به سطوح بالاتر اضطراب جدایی کمک کند. کودکانی که مادران اجتنابی دارند ممکن است هنگام جدا شدن از آنها مضطرب تر شوند، زیرا کمتر مطمئن هستند که مادرشان برمی گردد و به آنها آرامش و حمایت می دهد. همچنین می توان استدلال کرد که سبک دلبستگی دوسوگرا به مادری اشاره دارد که در دسترس بودن و پاسخگویی به نیازهای فرزندش ناسازگار است. این نوع دلبستگی می تواند منجر به احساس سردرگمی و عدم اطمینان کودکان در مورد قابل اعتماد بودن و در دسترس بودن مادر شود، که می تواند به سطوح بالاتری از اضطراب جدایی کمک کند. کودکانی که مادران دوسوگرا دارند ممکن است هنگام جدا شدن از آنها مضطرب تر شوند، زیرا کمتر مطمئن هستند که مادرشان برمی گردد و به آنها آرامش و حمایت می دهد. در مقابل، سبک دلبستگی ایمن به مادری اشاره دارد که به طور مداوم در دسترس و پاسخگوی نیازهای فرزندش باشد. این نوع دلبستگی به کودکان احساس امنیت و امنیت می دهد که می تواند سطح

اضطراب جدایی آنها را کاهش دهد. کودکانی که مادران مطمئنی دارند، مطمئن تر از بازگشت مادرشان هستند و در هنگام جدایی، آرامش و حمایت را به آنها ارائه می‌دهد، که می‌تواند به آنها کمک کند در طول جدایی احساس امنیت و اضطراب کمتری داشته باشند. به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت رابطه دلبستگی مادر و کودک عامل مهمی در شکل دادن به تجربیات کودکان از اضطراب جدایی است. مادرانی که در دسترس بودن و پاسخگویی ثابتی را ارائه می‌دهند می‌توانند به فرزندان خود در ایجاد سبک دلبستگی ایمن کمک کنند که با سطوح پایین تر اضطراب جدایی مرتبط است. در مقابل، مادرانی که از نظر احساسی فاصله دارند یا در دسترس بودنشان ناسازگار هستند، می‌توانند به سطوح بالاتری از اضطراب جدایی در فرزندانشان کمک کنند.

در فرضیه فرعی دوم، بیش فعالی کودکان 2 تا 7 سال بر اساس سبک‌های دلبستگی والدین پیش بینی شد. همچنین نتایج مبین آن است که تنها سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن اثر معناداری بر بیش فعالی کودکان داشتند. مبنی بر اینکه با افزایش سبک دلبستگی دوسوگرا میزان بیش فعالی در کودکان ارتقا می‌یابد. در حالی که با افزایش سبک دلبستگی ایمن از بیش فعالی در میان کودکان کاسته می‌شود. در حالی که دلبستگی اجتنابی اثر معناداری بر بیش فعالی کودکان نداشته است. فرضیه در خصوص اثر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن تایید می‌شود. نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های چالشتی و عزیزی (1401)، کرمی و همکاران (1398)، میکایلی و همکاران (1396)، بهروز و همکاران (1391)، پیس و همکاران (2023)، کویچیولی و همکاران (2023) و الیاگون (2018) همسو بوده است. طبق مطالب عنوان شده و با توجه به تعاریف سبک‌های دلبستگی می‌توان استدلال کرد که سبک دلبستگی دوسوگرا به مادری اشاره دارد که در دسترس بودن و پاسخگویی به نیازهای فرزندش ناسازگار است. این نوع دلبستگی می‌تواند منجر به احساس سردرگمی و عدم اطمینان کودکان در مورد قابل اعتماد بودن و در دسترس بودن مادر شود که می‌تواند به سطوح بالاتر بیش فعالی کمک کند. کودکانی که دارای مادران دوسوگرا هستند ممکن است بیش فعالی به عنوان راهی برای جلب توجه و اطمینان از مادرشان داشته باشند، زیرا کمتر مطمئن هستند که مادرشان به طور مداوم برای رفع نیازهای آنها در دسترس خواهد بود. در مقابل، سبک دلبستگی ایمن به مادری اشاره دارد که به طور مداوم در دسترس و پاسخگوی نیازهای فرزندش باشد. این نوع دلبستگی به کودکان احساس امنیت و امنیت می‌دهد که می‌تواند سطح بیش فعالی آنها را کاهش دهد. کودکانی که دارای مادران ایمن هستند، اطمینان بیشتری دارند که مادرشان به طور مداوم برای رفع نیازهای آنها در دسترس خواهد بود، که می‌تواند به آنها کمک کند احساس امنیت بیشتر و بیش فعالی کمتری داشته باشند. همچنین لازم به ذکر است که نتایج نشان داده است که سبک دلبستگی اجتنابی در مادران تأثیر قابل توجهی بر سطح بیش فعالی کودکان ندارد. این یافته ممکن است شگفت‌انگیز به نظر برسد، زیرا تحقیقات قبلی نشان داده است که سبک دلبستگی اجتنابی با مشکلات رفتاری در کودکان از جمله بیش فعالی مرتبط است. یک توضیح احتمالی برای این عدم ارتباط این است که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پیامدهای رفتاری ممکن است پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که قبلاً تصور می‌شد، با تأثیرات متقابل بین سبک‌های دلبستگی مختلف و سایر عوامل مانند استرس یا ناملايمات. به عنوان مثال، تأثیرات سبک دلبستگی اجتنابی بر بیش فعالی ممکن است در زمینه استرس یا ناملايمات زیاد، که ممکن است در نمونه این مطالعه کمتر نشان داده شده باشد، آشکارتر باشد. به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت رابطه دلبستگی مادر و کودک عامل مهمی در شکل دادن به تجربیات کودکان از بیش فعالی است. مادرانی که در دسترس بودن و پاسخگویی ثابتی را ارائه می‌دهند، می‌توانند به فرزندان خود در

ایجاد سبک دلبستگی ایمن کمک کنند، که با سطوح پایین تر بیش فعالی همراه است. در مقابل، مادرانی که در دسترس بودن خود ناسازگار هستند، ممکن است به سطوح بالاتر بیش فعالی در فرزندان خود کمک کنند زیرا آنها به دنبال جلب توجه و اطمینان هستند.

طبق فرضیه اصلی، اضطراب جدایی و بیش فعالی کودکان ۲ تا ۷ سال بر اساس سبک های دلبستگی والدین پیش بینی شد. بنابر نتایج به دست آمده مشخص شد که به طور کلی متغیر پیش بین سبک های دلبستگی دوسوگرا و ایمن بر هر دو متغیر ملاک بیش فعالی و اضطراب جدایی دارای اثر معناداری بودند. در حالی که سبک دلبستگی اجتنابی تنها بر اضطراب جدایی تاثیر معناداری داشته است و این متغیر بر بیش فعالی تاثیر معناداری ندارد. مبنی بر اینکه با افزایش میزان سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا میزان اضطراب جدایی در میان کودکان افزوده می شود و با افزایش سبک دلبستگی ایمن از اضطراب جدایی کاسته می گردد نتایج همچنین نشان می دهد که با افزایش سبک دلبستگی دوسوگرا بیش فعالی کودکان افزوده می شود و با افزایش سبک دلبستگی ایمن از بیش فعالی کودکان کاسته می گردد. فرضیه در خصوص اثر سبک های دلبستگی دوسوگرا و ایمن و اجتنابی بر اضطراب جدایی و اثر سبک دلبستگی دوسوگرا و ایمن بر بیش فعالی تایید می شود. نتایج این یافته با نتایج مطالعات چالستری و عزیزی (۱۴۰۱)، شایق و همکاران (۱۴۰۰)، کرمی و همکاران (۱۳۹۸)، میکاییلی و همکاران (۱۳۹۶)، بهروز و همکاران (۱۳۹۱)، پیس و همکاران (۲۰۲۳)، کاویچیولی و همکاران (۲۰۲۳)، جانکو و همکاران (۲۰۲۱)، الیاگون (۲۰۱۸)، نیلسون و همکاران (۲۰۱۷) و بیزی و همکاران (۲۰۱۶) همسو بوده است.

این یافته پژوهشی پیش تر به طور کامل تبیین شد اما به طور کلی می توان گفت که یافته های این پژوهش نشان می دهد که سبک های دلبستگی مادران هم بر بیش فعالی و هم بر اضطراب جدایی کودکان تأثیر بسزایی دارد. به طور خاص، این مطالعه نشان داد که هر دو سبک دلبستگی دوسوگرا و ایمن در مادران بر هر دو متغیر تأثیر معنی داری دارند، در حالی که سبک دلبستگی اجتنابی در مادران تنها تأثیر معناداری بر اضطراب جدایی داشته و تأثیر معناداری بر بیش فعالی ندارد. نتایج ماهیت پیچیده و چندوجهی رابطه بین سبک های دلبستگی و پیامدهای رفتاری را برجسته می کند. در حالی که تحقیقات قبلی نشان داده است که سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است با مشکلات رفتاری مانند بیش فعالی مرتبط باشد، مطالعه فعلی رابطه معناداری بین این متغیرها پیدا نکرد. این می تواند به دلیل تعدادی از عوامل، از جمله حجم نمونه، روش شناسی، تفاوت های فرهنگی، یا اثرات متقابل بین سبک های دلبستگی مختلف و عوامل دیگری مانند استرس یا ناملایمات باشد. یافته ها همچنین نشان می دهند که تأثیر سبک های دلبستگی بر پیامدهای رفتاری ممکن است برای متغیرهای خاصی بیشتر از سایر متغیرها باشد. به عنوان مثال، در حالی که هر دو سبک دلبستگی دوسوگرا و ایمن بر بیش فعالی و اضطراب جدایی تأثیر معناداری داشتند، سبک دلبستگی اجتنابی تنها بر اضطراب جدایی تأثیر معناداری داشت. این می تواند نشان دهنده این واقعیت باشد که اضطراب جدایی بیشتر از بیش فعالی با امنیت دلبستگی مرتبط است. نتایج همچنین اهمیت در نظر گرفتن جنبه های مثبت و منفی سبک های دلبستگی را هنگام بررسی تأثیر آنها بر پیامدهای رفتاری نشان می دهد. در حالی که سبک دلبستگی ایمن با سطوح کمتر بیش فعالی و اضطراب جدایی مرتبط است، سبک دلبستگی دوسوگرا با سطوح بالاتر هر دو متغیر مرتبط است. این نشان می دهد که در حالی که سبک دلبستگی ایمن به کودکان احساس امنیت می دهد، سبک دلبستگی دوسوگرا می تواند عدم

اطمینان و سردرگمی را در مورد قابلیت اطمینان و در دسترس بودن مادرشان ایجاد کند که می‌تواند به سطوح بالاتر بیش‌فعالی و اضطراب جدایی کمک کند.

در نتیجه، این مطالعه شواهد بیشتری برای اهمیت سبک‌های دلبستگی مادر در شکل دادن به پیامدهای رفتاری کودکان ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو سبک دلبستگی دوسوگرا و ایمن تأثیر معناداری بر بیش‌فعالی و اضطراب جدایی دارند، در حالی که سبک دلبستگی اجتنابی تنها تأثیر معناداری بر اضطراب جدایی دارد. این نتایج نیاز به تحقیقات بیشتر را برای درک بهتر روابط پیچیده بین سبک‌های دلبستگی، پیامدهای رفتاری و سایر عوامل مانند استرس یا ناملایمات برجسته می‌کند. در نهایت، این یافته‌ها می‌تواند به مداخلاتی با هدف ترویج سبک‌های دلبستگی ایمن در مادران برای کاهش بیش‌فعالی و اضطراب جدایی در کودکان کمک کند.

منابع

- بهروز، ب. علی آبادی، ش. یزدخواستی، ف. و ویسی، س. (۱۳۹۱). مقایسه کودکان دارای اختلال کمبود توجه- بیش‌فعالی و عادی در دو مقوله هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی. پژوهش در علوم توانبخشی. ۶ (۸). ۱۳۰۲-۱۴۰۴
- چالشتی، م. و عزیزی، م. (۱۴۰۱). اثر آموزش برنامه‌ی والدگری مثبت به مادران بر میزان اضطراب و تنظیم هیجانی در کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی. تعلیم و تربیت استثنایی. ۱۷۰. ۶۰-۷۶.
- شایق، س. امیری، ش. و مهرابی، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی اضطراب جدایی کودک بر اساس سبک‌های دلبستگی مادر و اختلال دلبستگی در دانش آموزان دختر پایه‌های اول و دوم مدارس ابتدایی شهر اصفهان. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. ۷ (۱). ۷۹۸-۸۰۹.
- طلاییان، رضوانه و وازپور، صغری. (۱۳۸۲). دلبستگی و سلامت روانی در نوجوانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، نشریه اندیشه خانواده، شماره ۱۳ و ۱۴.
- طلایی نژاد، ن. مظاهری، م. قنبری، س. عسگری، ع. (۱۳۹۵). ویژگی‌های مقدماتی مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین). فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی. ۱۲ (۴۷). ۲۲۵-۲۳۵.
- کرمی، ا. بهرامی، ف. و مرادی، ا. (۱۳۹۸). تدوین و بررسی اثر بخشی بسته آموزش تلفیقی توجه آموزی و دلبستگی بر کیفیت دلبستگی مادر- کودک و علائم نقص توجه/بیش‌فعالی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر اصفهان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. ۳ (۵). ۱۸۱-۱۹۴.
- میکاییلی، ن. مهاجری اول، ن. و عطارد، ن. (۱۳۹۶). نقش فرزندپروری ذهن آگاهانه و سبک دلبستگی مادر در پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان بیش‌فعال. زن و فرهنگ. ۳۲. ۲۱-۳۶.

- Al-Yagon, M. (2018), "Models of child-parent attachment in attention deficit hyperactivity disorder: Links to executive functions", *Personal Relationships*, Vol. 25 No. 2, pp. 280-298.
- Astuti, U., Hartono, H., & Sunawan, S. (2020). The Influence of Parental Attachment toward Early Childhood Children's Separation Anxiety. *Journal of Primary Education*, 9(5), 501-510.
- Bitsko, R. H., Holbrook, J. R., O'Masta, B., Maher, B., Cerles, A., Saadeh, K., Mahmooth, Z., MacMillan, L. M., Rush, M. and Kaminski, J. W. (2022), "A systematic review and meta-analysis of prenatal, birth, and postnatal factors associated with attention-deficit/hyperactivity disorder in children", *Prevention Science*, pp. 1-22.
- Bizzi, F., Mora, S. C. and Cavanna, D. (2016), "Disorganized attachment and psychological symptoms in children with Somatic Symptoms Disorders", *European Psychiatry*, Vol. 33 No. S1, pp. S128-S129.
- Cavicchioli, M., Stefanazzi, C., Tobia, V., & Ogliari, A. (2023). The role of attachment styles in attention-deficit hyperactivity disorder: A meta-analytic review from the perspective of a transactional development model. *European Journal of Developmental Psychology*, 20(3), 436-464.
- Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1990;58(4):644-63
- Conners C. (1997). Conners' rating scales: revised technical manual. North Tonawanda (NY); Multi-Health Systems, online]. Available from URL: <http://www.mhs.com> [Assessed 2008 Mar 3
- Feriante, J., Torrico, T. J., & Bernstein, B. (2023). Separation anxiety disorder. StatPearls.
- Ghadampour, E., Khodarahimi, S., Rahmian Bougar, M. and Nahaboo, S. (2020), "Single mothers' attachment styles and personality influences on child psychopathology", *The American Journal of Family Therapy*, Vol. 48 No. 4, pp. 340-355.
- Gittelman, R., & Klein, D. F. (2019). Childhood separation anxiety and adult agoraphobia. *Anxiety and the anxiety disorders*, 389-402.
- Hahn, L., Hajinlian, J., Eisen, A. R., Winder, B., & Pincus, D. B. (2003). Measuring the dimensions of separation anxiety and early panic in children and adolescents: The Separation Anxiety Assessment Scale. Paper presented at the 37th annual convention of the Association for Advancement of Behavior Therapy, Boston
- Hazen, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15, 23-38.
- Ishii-Takahashi, A., Kawakubo, Y., Hamada, J., Nakajima, N., Kawahara, T., Hirose, A., Yamaguchi, R., Kuwabara, H., Okada, T. and Kano, Y. (2023), "Changes in child behavioral problems and maternal attachment towards children with attention-deficit/hyperactivity disorder following behavioral parent training: A pilot study", *Psychiatry and clinical neurosciences*.
- Johnco, C., Storch, E. A., Oar, E., McBride, N. M., Schneider, S., Silverman, W. K., & Lebowitz, E. R. (2021). The role of parental beliefs about anxiety and attachment on parental accommodation of child anxiety. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 1-12.
- Lola, H. M., Belete, H., Gebeyehu, A., Zerihun, A., Yimer, S. and Leta, K. (2019), "Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD) among children aged 6 to 17 years old living in Girja District, Rural Ethiopia", *Behavioural neurology*, Vol. 2019.

- Markham, W. A. and Spencer, N. (2022), "Factors that mediate the relationships between household socio-economic status and childhood Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD) in children and adolescents: A systematic review", Plos one, Vol. 17 No. 3, p. e0262988.
- Martin, J., Shameem Agha, S., Eyre, O., Riglin, L., Langley, K., Hubbard, L., Stergiakouli, E., Group, P. G. C. A. W., O'Donovan, M. and Thapar, A. (2021), "Sex differences in anxiety and depression in children with attention deficit hyperactivity disorder: Investigating genetic liability and comorbidity", American Journal of Medical Genetics Part B: Neuropsychiatric Genetics, Vol. 186 No. 7, pp. 412-422.
- Mofrad, S., Abdullah, R. and Uba, I. (2010), "Attachment patterns and separation anxiety symptom", Asian Social Science, Vol. 6 No. 11, p. 148.
- Mofrad, S., Abdullah, R., & Abu Samah, B. A. (2009). Perceived parental overprotection and separation anxiety: Does specific parental rearing serve as specific risk factor, Asian Social Science, 5, 109-116. Mofrad, S., Abdullah, R., & Uba, I. (2010). Attachment patterns and separation anxiety symptom. Asian Social Science, 6, 148-153.
- Mohammadi, M. R., Badrfam, R., Khaleghi, A., Hooshyari, Z., Ahmadi, N., & Zandifar, A. (2020). Prevalence, comorbidity and predictor of separation anxiety disorder in children and adolescents. Psychiatric Quarterly, 91, 1415-1429.
- Nielsen, S. K. K., Lønfeldt, N., Wolitzky-Taylor, K. B., Hageman, I., Vangkilde, S. and Daniel, S. I. F. (2017), "Adult attachment style and anxiety-The mediating role of emotion regulation", Journal of Affective Disorders, Vol. 218, pp. 253-259.
- Pace, U., D'Urso, G., Buzzai, C., Passanisi, A., & Zappulla, C. (2023). The relationships between attachment styles, reflective functioning, and emotion regulation in mothers of children diagnosed with ADHD. Current Psychology, 42(29), 25706-25716.
- Pepito, G., & Montalbo, I. C. (2019). Separation anxiety on preschoolers' development. International Journal of English and Education, 8(1), 229-239.
- Silove, D., & Manicavasagar, V. (2015). Separation anxiety disorder in adults: An overview of symptoms, causes and treatment. National Center for Biotechnology Information.
- Vaughan, J., Coddington, J. A., Ahmed, A. H., & Ertel, M. (2017). Separation anxiety disorder in school-age children: What health care providers should know. Journal of pediatric health care, 31(4), 433-440.

